

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سوتلانا زاملیلوا (Svetlana ZAMLELOVA)، روزنامه‌نگار، منتقد، مترجم، ناشر، نماینده‌نویس
برگردان: ا. م. شبیری
۳۰ جنوری ۲۰۲۵

جنگ صلیبی دیگر علیه عقل سلیم



[یک تحلیل و بررسی برای همه دوران‌ها که مضمون آن شامل مرور زمان نمی‌شود. این مقاله را چند وقت پیش
ذخیره کرده بودم. حیف آمد در شرایط اعتیاد عامی و عارف به مطالب دو-سه خطی منتشر نکنم.] - شبیری

پس از به اصطلاح همه‌گیری ویروس کرونا، حیرت کردن از چیزی واقعاً دشوار است. تنها در عرض چند سال، عقل سلیم مورد تجاوز قرار گرفت، منطق زیر و رو شد و علم به کیمیا تبدیل گردید. با دستکاری‌های ساده، ده‌ها ایده احمقانه به مردم القا شد و حتی انسان‌های بسیاری مجبور شدند تقریباً در حد مذهب به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. به طوری که برخی تا به امروز معتقدند که آزمایش واکنش زنجیره‌ای پلیمرز به اندازه گام‌نگار پاول بور دقیق است و هیچ بیماری بدتر از کرونا وجود ندارد. برای حصول اطمینان از این که کرونا یک سرماخوردگی معمولی است، کافی است به هر کتاب درسی و یا کتب مرجع ویروس‌شناسی منتشر شده قبل از سال ۲۰۲۰، رجوع کنید. در هر صورت، این عفونت در کتاب مرجع انجمن پزشکی آمریکا، منتشره در سال ۱۹۸۹ دقیقاً این گونه (سرماخوردگی) تعریف شده است. علاوه بر این، هرگز در تاریخ بشر، آمار پزشکی بر اساس نتایج کاوش بینی صورت نگرفته است و همانطور که پزشکان بی‌طرف بارها اعلام کرده‌اند، آزمایش واکنش زنجیره‌ای پلیمرز نتایج کاملاً دلخواه می‌دهد.

بسیاری‌ها نمی‌خواهند بپذیرند که همه‌گیری یک پدیده شبیه‌سازی شده به دست انسان بود. احتمالاً به همین دلیل، دستان سازنده آن، هنوز در دست‌بند یا در زنجیر نیست و هنوز معلوم نیست چه چیزی و چه کسی بدتر است – سازمندان و شرکت‌کنندگان این توطئه که ثروتمند شده‌اند و آزادانه می‌گردند یا مردم عادی که ساده‌لوحانه فریب خوردند و تسلیم خواسته‌های جنایتکاران شدند.

نمایش به طور ناگهانی به پایان رسید، اما بیهودگی از بین نرفت. امروز، همان افرادی که دو سال پیش اصرار داشتند که پوشیدن دستکش لاستیکی و بستن ماسک شما را از وحشتناک‌ترین بیماری نجات می‌دهد، مزخرفات جدیدی را مطرح می‌کنند. مزخرفات به قدری افزایش یافته که گاهی اوقات برای یک فرد عادی دشوار است که بفهمد چه چیزی را باور کند. مزخرف اصلی امروز، تغییرات فاجعه‌بار آب و هوا است. البته، همیشه آب و هوا تغییر می‌یابد. در طول تاریخ موجودیت سیاره، در این یا آن جهت تغییر کرده است. و هیچ چیز جدید یا شگفت‌انگیزی در این مورد وجود ندارد. دروغ این است که نه انتشار دی‌اکسید کربن، نه فصولات گاو و نه ازدیاد جمعیت زمین هیچ تأثیری بر آب و هوا ندارد. مردم با آلوده کردن آب و هوا، فقط به خود آسیب می‌زنند، اما نمی‌توانند بر آب و هوا تأثیر بگذارند. با این حال، همین روزها، کانال تلویزیونی فرانسوی CNews به دلیل عدم اعتراض مجریان آن به ادعاهای **ف. هرلین**، اقتصاددان که در مورد فریبکاری در زمینه آب و هوا بطور زنده صحبت می‌کرد، ۲۰ هزار یورو جریمه شد. او گفت: «گرمایش جهانی زیست‌بوم- دروغ است، تقلب است... چرا این قدر سنگین است؟ زیرا، مداخله دولت در زندگی ما را توجیه می‌کند و دولت را از کاهش هزینه‌های دولتی آزاد می‌کند. این، یک نوع استبداد است...» به اظهارات **آندری کاپیتسا**، **جغرافیادان و ژئومورفولوژیست**، استاد بازنشسته **دانشگاه مسکو**، رئیس وقت بخش مدیریت منطقی محیط زیست دانشکده جغرافیا، عضو **آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی** و روسیه، توجه کنید: «محققان... همه چیز را وارونه کردند، جای علت و معلول را عوض کردند. این افزایش میزان دی‌اکسید کربن نبود که منجر به گرمایش در جو شد، بلکه گرمایش، بدون هر گونه دخالت انسان، به آزاد شدن حجم عظیم دی‌اکسید کربن در جو منجر شد. ۹۵ درصد دی‌اکسید کربن در اقیانوس‌های جهان حل می‌شود. کافی است ضخامت آب نیم درجه گرم شود و اقیانوس دی‌اکسید کربن را «تنفس» می‌کند. فوران‌های آتشفشانی و آتش‌سوزی جنگل‌ها نیز سهم قابل توجهی در رها شدن دی‌اکسید کربن به جو زمین دارند. با وجود تمام هزینه‌های توسعه صنعتی، انتشار گازهای گلخانه‌ای از دودکش‌های کارخانه‌ها و نیروگاه‌های حرارتی از چند درصد کل گردش دی‌اکسید کربن در طبیعت فراتر نمی‌رود.»

لطفاً توجه داشته باشید: کلاهبرداری آب و هوا به همان روش کووید ساخته شد. یعنی بر اساس اصول دستکاری شعور. در اینجا، داستان‌های تکراری مستقیماً القا می‌شود؛ هم تحریف عمدی واقعیت؛ هم کوشش برای تغییر جای جزء و کل. هم تفسیرهای مغرضانه و دور از ذهن؛ هم جایگزینی مفاهیم؛ هم ایجاد به اصطلاح سندروم درماندگی اکتسابی، علاوه بر آن، ارائه اخبار ناگوار زیاد به نحوی خاص، که باعث ترس و ناامیدی افراد می‌شود و اراده را فلج می‌کند. برچسب زدن؛ تقسیم جامعه به «ما» و «آن‌ها»؛ ارائه اطلاعات به صورت تکه تکه به گونه‌ای که به فرد اجازه ندهد کل تصویر را ببیند؛ از بین بردن عمدی عقل سلیم به منظور حفظ تشنج و سردرگمی و جلوگیری از به هوش آمدن مردم؛ و خیلی چیزهای دیگر.

چندی پیش، مردم در سرتاسر جهان به دلیل انکار بیماری همه‌گیر، به دلیل امتناع از انجام خواسته‌های مضحک مانند پوشیدن دستکش، به دلیل عدم تمایل به شرکت در آزمایش‌های پزشکی، مورد آزار و اذیت، توهین و جریمه قرار گرفتند. در رابطه با «همه‌گیری»، اوضاع خوب پیش نرفت. آن‌ها نتوانستند استبداد جهانی را با کمک مجوزهای واکسین برقرار نمایند. از این رو، تصمیم گرفتند آب و هوا را مطرح کنند. با این حال، آن‌ها در باره شیوع یک

بیماری همه‌گیر دیگر، بدتر از اول نوید می‌دهند. اما در حال حاضر، موضوعات دیگری در دستور کار قرار گرفته است. تجربه همه‌گیر در ترویج کلاهبرداری آب و هوا بسیار مفید واقع شد. در مجمع داووس ۲۰۲۲، ماریانا ماتسوکاتو، اقتصاددان گفت که امکان واکنش کردن همه ساکنان سیاره وجود ندارد. بنابراین، در مبارزه برای آب و هوا (به طور کلی، حتی مشخص نیست که آن‌ها چه می‌خواهند!) لازم است اطلاعات به گونه‌ای ارائه شود که هر کس بفهمد که همه این‌ها شخصاً به او مربوط می‌شود. به عنوان مثال، ما باید نه تنها در مورد تغییرات آب و هوا، بلکه در مورد این موضوع نیز صحبت کنیم که آب وجود نخواهد داشت. توجه! این بدین معنا نیست که آب وجود ندارد، به این معنی است که برای درگیر کردن هر فردی در حقیقتی آب و هوا، مردم باید از کمبود آب وحشت داشته باشند. قبول کنند که کشاورزی بدترین تهدید برای اقلیم است! به طوری که مثلاً مردم داوطلبانه از خوردن شیر، گوشت و نان امتناع کنند و به خوردن حشرات روی بیاورند!

واضح است که انسان نمی‌تواند با خوردن جیرجیرک مدت طولانی زنده بماند و اگر چنانچه واکنش شده باشد، در مدت کوتاهی مسأله از یاد جمعیت کره زمین حل می‌شود. در این میان، دستکاری‌ها همچنان ادامه دارد. «جنگ صلیبی» دیگر علیه عقل سلیم با موضوع جنسیت مرتبط است. اگر از بیرون به خودمان نگاه کنیم چه؟ انسان زندگی می‌کند، کار می‌کند، استراحت می‌کند و خود را عالی احساس می‌کند. اما ناگهان عده‌ای دیوانه می‌آیند و ادعا می‌کنند که او یک بیمار بدون علامت است. سپس، چیزی مثلاً جوب کبریت به بینی او فرو می‌کنند، با مشاهده یک چیز چسبیده روی جوب، بلافاصله جیب می‌کشند که ای وای، او سخت بیمار است و بیماری او مسری و خطرناک است؛ او را به بیمارستانی انتقال می‌دهند که در آن بیماران مبتلا به انواع بیماری‌ها کنار هم دراز کشیده‌اند و تهویه‌ای وجود ندارد. در بیمارستان، او تحت تابش اشعه قرار می‌گیرد و نوعی سم به وی تزریق می‌شود که مقاومت بدن در برابر میکروب‌ها را از بین می‌برد. سپس، تابش اشعه و تزریق سم دوباره تکرار می‌شود. دست آخر، اگر فرد خوش شانس باشد، بسختی زنده از بیمارستان بیرون می‌آید. اما او دیگر نمی‌تواند سلامتی خود را بهبود بخشد، بلکه باید یک سم جدید و آزمایش‌نشده تزریق کند. بعد از این، به ذهن او القاء می‌کنند که آب و هوا باید حفظ شود وگرنه آب وجود نخواهد داشت. برای این منظور، لازم است محصولات غذایی معمول خود را رها کند و به خوردن کره‌مینة مگس روی بیاورد. اما این همه ماجرا نیست! به هر حال، ما باید از دموکراسی نیز مراقبت کنیم. چگونه؟ برای انجام این کار، باید پذیریم که جامعه بشری نه فقط از مردان و زنان، بلکه از عفريتک‌ها، عجوزه‌ها، اجنه‌ها، بنشی‌ها، مارهای گورینچ و خدا می‌داند از چه موجودات دیگر – در مجموع، از حدود ۶۰ جنسیت تشکیل شده است. بعد از تمام تزریقات، تشعشعات و جوب معجزه‌گر بینی، بعد از کثلت جیرجیرک و شیر کره‌مینة مگس، این وضعیت چندان غیرممکن به نظر نمی‌رسند. اما برای تثبیت اثر، دیوانه‌ها قوانینی را به تصویب می‌رسانند که به آن‌ها حق جریمه کردن کسانی را می‌دهد که از روی عادت، عجوزه‌ها را با عفريتک‌ها اشتباه می‌گیرند.

روزی روزگاری در زمان غروب اتحاد جماهیر شوروی، یک کارگردان مشهور یک فلم ساخت به نام «نمی‌توانی این‌طور زندگی کنی». حیف است از آن کارگردان نپرسیم: آیا می‌شود این کار را کرد؟

در آلمان، از اول اگست قانونی به اجراء درخواهد آمد که در واقع به هر کسی که یکی از ۶۰ جنسیت را به اشتباه تعریف کند یا عموی سابق خود را با نام مردانه سابقش بنامد، جریمه می‌شود (در مورد خاله‌ها نیز همین‌طور است). خاله‌ها به نوعی در این مورد کمتر فعال و پرخاشگر هستند، اما زن‌ها از مردان عوضی‌ترند). قانونگذاران ظاهراً کمی می‌ترسند، که این ابتکار بالاخره کاسه صبر همه را لبریز کند و به نوعی ناآرامی منجر شود. به همین دلیل، قانون از «سوءتعریف عمدی جنسیت»، یعنی از کاربرد نادرست ضمیر صحبت می‌کند. به عبارت دیگر، اگر کسی یک زن ریشو

را عمداً با ضمیر «او» خطاب کند، باید مقداری پول نقد برای پرداخت جریمه آماده داشته باشد. اگر این اتفاق به طور اتفاقی روی دهد، قانون ممکن است به متخلف ارفاق کند. اما، مشخص نیست که چگونه می‌توان بین استفاده عمدی یا تصادفی از ضمیر «اشتباه» تمایز قائل شد. این بدین معنی است که قانون به همه افراد عجیب و غریب اجازه می‌دهد تا بر سر کلمات عیب‌جویی کنند و برای جریمه شکایت کنند. اما در آلمان هنوز جای شکرش باقیست! در اسکاتلند، برای یک «جرم» مشابه، از اول اپریل سال جاری تا هفت سال حبس در نظر گرفته شده است.

نمایندگان ۶۰ جنس در حال حاضر فعالانه از مزایای آن‌ها استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، عموهای بازنده دیروز، امروز با لباس خاله، در مسابقات ورزشی جایزه می‌گیرند. از هر طرف که بنگری، می‌توان گفت، آن‌هایی که مرد به دنیا می‌آیند، معمولاً از نظر رشد جسمانی نسبت به زنان بیشتر رشد می‌کنند. به همین دلیل، مردان سوتین‌پوش سریع‌تر از زنان شنا می‌کنند، می‌دوند، وزنه سنگین‌تری بلند می‌کنند و نیزه‌ها را به فاصله بیشتری پرتاب می‌کنند. علاوه بر این، رختکن زنانه نیز در اختیار دارند. **و به زنانی که جرأت می‌کنند از این وضعیت ابراز نارضایتی کنند، به همان شیوه‌ای که از باور به تأثیر باد روده گاو بر آب و هوا یا تأثیر و ایمنی واکسین‌های سرماخوردگی عجولانه تولید شده امتناع می‌ورزند، انگ می‌زنند.** و حتی موارد تجاوز به زنان توسط زنان دروغین، اعتماد هیچ کس نسبت به درستی تصمیمات اتخاذ شده را متزلزل نکرد. جنایتکاری که خود را زن معرفی کرده بود، به زندان زنان فرستاده می‌شود. در عین حال، پدری که دختر تراجنسیتی خود را «دختر» خطاب کرده بود نیز روانه زندان می‌شود. البته، به زندان مردان.

به غیر از جنس مذکر و مؤنث، مابقی شصت جنس دیگر فاقد هرگونه ویژگی عینی هستند. این واقعیت به معنای واقعی کلمه، فقط از تهی‌مغزی بازیگران گواهی می‌دهد. و در عین حال، مقامات کشورهای مختلف از همه ابلهان و رؤیاپردازان فعالانه محافظت و حمایت می‌کنند، نه از افراد عادی و سالم. آیا این باید حیرت‌آور باشد؟ به هیچ وجه! هر کاری که به برقراری کنترل کامل بشر کمک کند و در جهت نابودی انسان، به منظور کاهش جمعیت سیاره عمل کند، در سراسر جهان در متنوع‌ترین سطوح پرورش می‌یابد و ترویج می‌شود.

البته، می‌توان به نوادگان تنوتون‌های (-Teutons) قبیله مهم ژرمن غربی) جنگجو که مجبور شدند مغز خود را «بکاوند» و ضمیر مناسبی برای خاله‌های ریش‌دار خود انتخاب کنند، خندید. اما اصلاً مضحک نیست. علاوه بر این، هیچ تضمینی نیست که همه این‌ها از کنار میهن وارسته ما بگذرند. در هر صورت، آن‌ها موفق شدند «همه‌گیری» را اجراء کنند و مگس‌ها را به میهن ما نیز بپراندند. خلاصه، برای خندیدن خیلی دیر شده است. اکنون لازم است به این بیندیشیم که چگونه می‌توان از نفوذ و تأثیر این همه «مبارز حقوق و مسؤلیت» خلاص شد. البته اقدامات رادیکال و «رفیق ماوزر» (تنفگ المانی) مطلوب است. اما هنوز جای امیدواری هست. امید این است که نه تنها فریب‌خوردگان عادی، بلکه همه این مکرون‌ها، سوناک‌ها، تروودها، باربوک‌ها و سایر شوابی‌های منحط نیز منقرض شوند و اهداف پلید آن‌ها جامه عمل نپوشد [منظور از شوابی‌ها، پیروان کلاوس شوآب، رئیس مادرزادی مجمع اقتصادی داووس است که آقای جواد ظریف- نخود هر آش- به جلسه اخیر این مجمع مافیائی دعوت شده بود- مترجم].

برگرفته از: sovross- تارنمای حزب کمونیست فدراسیون روسیه

۱۰ بهمن- دلو ۱۴۰۳